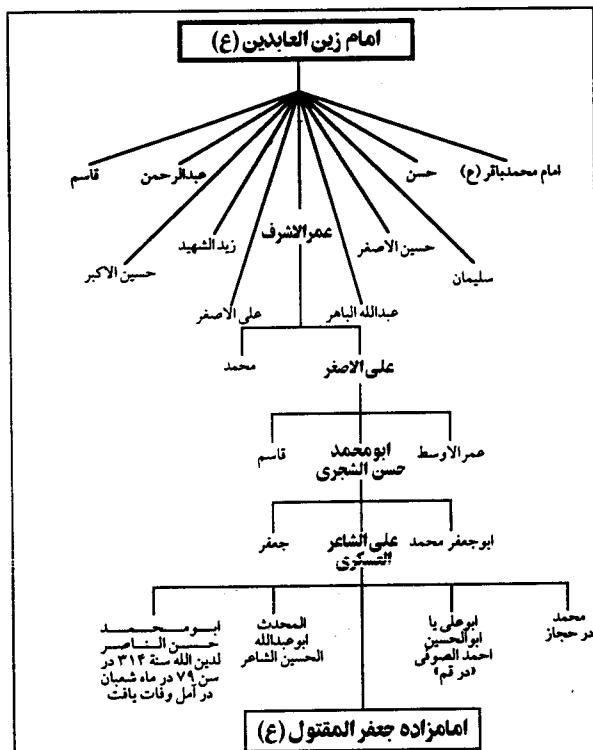


وقفنامه کهن

امامزاده جعفر دامغان

تقدیم به استاد عبدالحسین حائری



عماد الدين
شيخ الحكماوي

سند حاضر و قفناهه ای است که در سال ۸۱۵ هجری در شهر دامغان تنظیم شده و به تأیید ۱۰۹ تن از شهود و بزرگان قرن نهم دامغان مسیجَل است.

این وقفتامه که نمونه بسیار زیبایی از شیوه سند نویسی در قرن نهم را به دست می دهد به خط تعلیق هزار بیگ بن عز الدین عوض شاه خواری، بر کاغذ سمرقندی کتابت شده است . بخش خطبه سنداز بین رفته و طول و عرض فعلی آن ۱۷/۵ در ۲۲/۵ سانتی متر است .

واقف ، امیر سیف الدین علی کیا ابن سراج الدین رستم بن حاجی [هزار جریبی] است ، وی ظاهراً از امرای سلسه کارکیای گیلان است که شرح حالشان در تاریخ رویان آملی و تاریخ طبرستان ظهیر الدین مرعشی آمده است .

موقوف عليه، بقعة متبرک امامزاده جعفر دامغان است . منابع و مأخذ معتبر انساب ، وی را زنل امام زین العابدین - علیه السلام - دانسته و محل شهادت او را به اختلاف ، دروازه نیشابور و دامغان ذکر کرده اند [ترجمه مقائل الطالبین ، ابوالفرح اصفهانی ، ص ٦٤٣ - المجدی فی انساب الطالبین ، ص ١٥٢ - لباب الانساب ، یبهقی ، صص ٢٧٧ و ٤٢١ - خلاصة المقال فی احوال الائمه و آلال ، ص ٣٦٥ - متنه آلام ، یک جلدی ، ص ٦٢٩]

لازم است یاد آور شویم که محمد حسن خان اعتماد السلطنه ۲ در ذکر شهر دامغان به بقعة متبرک امامزاده جعفر اشاره کرده و پس از توضیح درباره بقعه، متن و قفنامه ای را که بر لوح سمت چپ ایوان چنوبی - در اصلی ورودی به امامزاده - نقر شده، نقل کرده است. مضمون این دو وقفنامه یکی است؛ اما انشای آنها کاملاً متفاوت است. بنابر این متن و قفنامه همراه با عکس سند و نام شهدود وقفنامه - که برای شناخت بزرگان و مشاهیر دامغان در قرن نهم حائز اهمت فراوان است - در اینجا در ح مر. گ ۶۶.

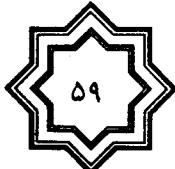
در پشت سند حاضر، وقفتانمه دیگری مربوط به امامزاده جعفر نوشته شده است که متن و عکس آن نیز در اینجا آورده می‌شود. اوقف، آیدین بیگ پسر محمد بیگ پهلوی‌نی از امرای لرستان بوده و تاریخ این وقفتانمه ۹۴۸ هجری است.

اصل این سند ، هم اکنون در آرشیو سازمان مرکزی اوقاف نگهداری می شود .

- با تشکر از واحد تحقیقات امامزادگان سازمان اوقاف و آثاری سید اسحاق حیدری که شجره نامه و متنابع مربوط به امامزاده جعفر را در اختیار مجله فرار دادند.
- مطلع شخص، ج ۳، ص ۲۷۵.

میرا خاکب

سال دوم - شماره اول



- ۱- گردانیدن - لامحاله - مثبت ثبات دولت دنیوی و [متوجه] سعادت اخروی باشد،
- ۲- به تعلیم رسد که آیه [کریمهٔ فی] «یوم لا ینفع مال ولا بنون» تواند بود.
- ۳- ... نیز که کیا و امیر اعظم مستخدم ارباب السیف و القلم ساحب آذیال المجد والهیم
- ۴- غوث الضعفاء والمساكین، عون المظلومین، عضد الملوك و السلاطین
- ۵- الواقع بفضل الله والى عفوه، الراجي
- ۶- امیر سيف الدولة والذین علی کیا ابن امیر مرحوم، ملك الامرا ف زمانه، سراج الدولة والذین [رستم بن حاجی]
- ۷- اعلى الله تعالی شانه و رحم الله آباوه و اسلافه - که في الواقع به کمال محبت اهل البيت
- ۸- آراسته برد و پیوسته کمر متابعت و مطاوعت اولاد نبی و احفاد علی - عليهم افضل الصلة حیاً و میتاً
- ۹- و حاضراً و غائباً - بر میان جان بسته، می خواست که رونق مزار متبرکه و روضة مقدسة امام ابن الامام
- ۱۰- جعفر بن علی بن حسن بن علی بن عمر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب -
- ۱۱- عليه و عليهم افضل الصلة و اکمل التحیات - که مدفون است به بلده دامغان خارج درب عراق
- ۱۲- زیادت گردد تا جاعته از فقرا و مساکین و صادر و وارد از آن آستان فلک آشیان مُستفید و محظوظ شوند
- ۱۳- و ثواب آن به روزگار و روزکار واقف واصل و متواصل گردد. ان شاء الله و من الله التوفيق.
- ۱۴- وقف کرد و تصدق نمود از آخلص املاک و آطيب اسباب خود که به مبایعه شرعیه بدو منتقل شده برد
- ۱۵- و در تعمیر و آبادانی آن سعی و اجتهاد بلیغ فرموده، جیع
- ۱۶- سهمی از اصل دو سهم که نصف کامل باشد از قنات قریه ای که معروف و مشهور است به «دیهو»
- ۱۷- من مضافات [توابع] «دامغان» و اراضی و حیطان و قنوات و آبار و مجاري و مقاسم آن،
- ۱۸- مستغیناً عن التحديد والتوصيف لشهرتها، و جميع
- ۱۹- سهمی از اصل دوازده سهم که نیم دانگ کامل مُشاع باشد، از جمله مزرعه ای که موصوف است به «مهرآباد»
- ۲۰- من توابع «دامغان» که مجاري میاه مزرعه مذکوره از چشمۀ [...] می آید و در میان زمین و املاک
- ۲۱- بر شش شبان روز قسمت می شود و هر شبان روزی بر یازده فهیجه مُنتسم می گردد که
- ۲۲- آن نیم دانگ، پنج فهیجه نیم آب باشد به اصطلاح ارباب مزرعه مذکوره.
- ۲۳- با اراضی که تابع آن است و جميع طاحونه، به بلده «دامغان» دایر بر آب و جوی صامغان
- ۲۴- معروف به آسیای فیروزی با تمامی حیطان و اراضی که تابع آن طاحونه است.
- ۲۵- و چنین گفت واقف مذکور - تقبل الله منه - که وقف کردم

۳- فهیجه : مطلع الشمر افهجه، آورده و در توضیح نوشته است: «اندازه ای به قدر پنج انگشت مضموم یعنی یک مشت بطرولها در لفتمانه دعده نیمده و در لهجه کترنی دامغان فیجه نلفظ من شود».

- و صدقه نمودم این نصف قریبة مذکوره
- ۲۶- و پنج فهیجه نیم آب مزرعه موصوفه و تمامی طاحونه
مشروحه با اراضی و حیطان که تابع آن مواضع است،
- ۲۷- در حال حیات خود و بعد طول بقاء خود بر فقراو
مستحقان و ابناء السبيل
- ۲۸- و صادر و وارد زایران آن مزار متبرکه تا محصولات این
مواضع را خادمان
- ۲۹- امن که معین شده به مصارف استحقاق رسانند. مقرر بر
آن جمله که محصولات این مواضع را
- ۳۰- بعد از تخم قائم[?] مقدار بیست خروار گندم به «وزن
دامغان»، نقیبی که بر سر روضه مقدسه مجاور باشد جهت
خاصه خود
- ۳۱- تصرف نماید و مقدار ده خروار غله مناصفه، خادمی که
در مطبخ عمومه طبخ کند
- ۳۲- و به خدمتکاری فقراو صادر و وارد قیام نماید، جهت
معیشت و اخراجات خود تصرف کند کائناً من کان.
- ۳۳- نقیب و خادم زیادت از این سی خروار غله ای که مقرر
شده، متصرف نشود و جهت خاصه خود تصرف ننماید.
- ۳۴- مشروط بر آن جمله که هر روز بیست من گندم غلور پزدا
بامداد ده من و نهاد دیگر ده من.
- ۳۵- از این جمله چیزی قاصر و منكسر نگردانند، و آنچه این
مقرری ناضل آید، به قسط شهر و ایام
- ۳۶- در نهاد پیشین نان پخته، آماده دارند تا فقیری که برسد و
به طبخ نرسیده باشد، بدیشان رسانند.
- ۳۷- و از محصولات صیفی، بعد از اخراجات حوايج مطبخ،
روغن چراغ مرتب دارند؛ هر شب در هر مزاری
- ۳۸- یک چراغ برافروزنده و در خانقاه یک چراغ برافروزنده و اگر
مهماں رسیده باشند،
- ۳۹- در هر وثاق که مهماں باشد، یک چراغ بنهند. مقرر بر آن
جمله که بر موجی که ذکر رفته، محصولات
- ۴۰- و ارتقاعات این مواضع را خادمان به موجب شروط
واقف به فقرا و ابناء السبيل رسانند.
- ۴۱- و بیرون از آنچه به جهت ایشان مقرر گشته به زیادتی در
آن طمع و توقع نکنند، و وصیت کرد واقف مذکور چنین:
- ۴۲- ختم الله بالخیر اعلمه - که مرا و فرزندان مرا در این
موقوفات مخلودات حقی از حقوق به ملکیت نیست، و به
اجاره طویله ندهند؛
- ۴۳- و اصلاً با متغلبان و کسانی که انتزاع از دست ایشان
دشوار بود، عقد اجاره نبندند و هر کس که
- ۴۴- این املاک را به اجاره طویله گیرد، و هر متغلب که این
موقوفات را به اجاره طویله طلبد، تا قیامت
- ۴۵- در غضب و سخط حق - سبحانه و تعالی - باشد و در
نفرین خدای - عزوجل - بود.
- ۴۶- و روانیست که زیادت از سه سال به کسانی که لا یق و
معتمد نیستند به اجاره داده شود و اگر زیادت از سه سال
- ۴۷- به اجاره دهنده، عقد اجاره باطل باشد، و واجب و لازم
است بر سادات و قضات و حکام عصر که اگر کسی

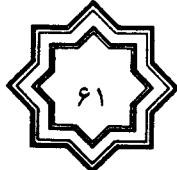


۴- غلور: مطلع الشمس^۱
بلغور آورده است . غلور گونه
ای از واژه «غلول» است به معنی
طعام نرم : طعامی که به اندرون
شکم پر و نتوان زود گواری باشد .
[لئنتمه دمحدا]

۵- خانقاه : همان ساختمان
کوچکی است که در ضلع غربی
امنراهه جعفر قرار دارد و به قبر
شاهرخ شهرت دارد. لک : نشریه
FRANÇOIS LEMONDE IRANIEN ET L ISLAM .
شماره ۲ .
پاداشتی درباره قبر شاهرخ دامغان
، شهریار عدل ، صص ۱۸۵ - ۱۷۳ .
۱۹۷۴ . پاریس .

میر خاکبی

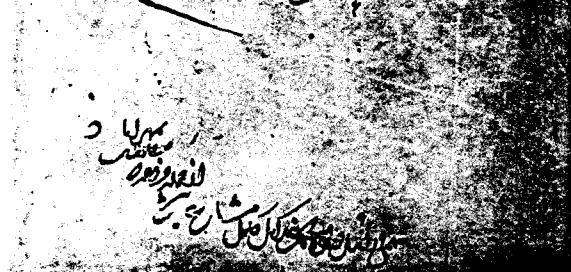
سال دوم - شماره اول



۱۷



۱۸



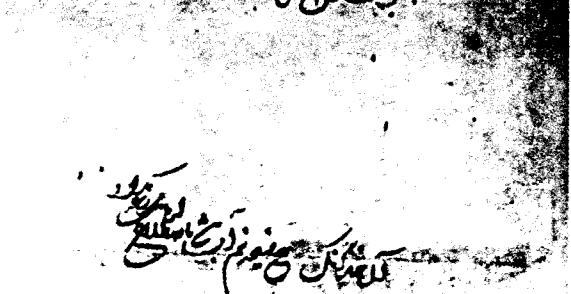
۱۹



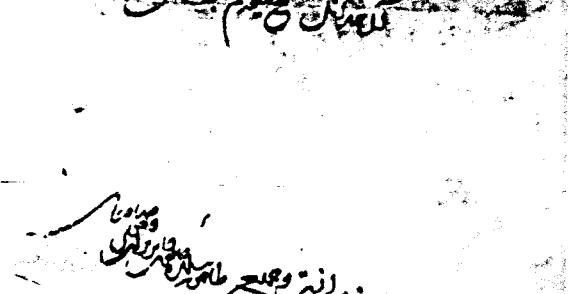
۲۰



۲۱



۲۲



۲۳

۴۸- به تقلب در این اوقات مدخل [افتاد، مانع] شوند و اگر
نشوند، چنان باشد که در آن ظلم شریک باشند.

۴۹- سعی و اجتهاد نمایند که حق در مرکز خود قرار گیرد
ثواب آن به روزگار همگنان واصل گردد. روا نیست که هیچ
قاضی

۵۰- والی و حاکم را که در ابطال این وقایت کوشند و تصرف
به ناحق کنند. و هر که در این وقف

۵۱- به ناحق متصرف شود و تغییر شروط واقف مدخل کند،
در لغت و سخط الهی گرفتار گردد

۵۲- تا دامن قیامت؛ در دو جهان مردود و سیاه رو باشد، و
حق التولیت این مواضع کسی راست که مجاور و ملازم این
مزار باشد

۵۳- و به کمال امانت و دیانت آراسته بود. و بعد از رعایت
شرایطی که بیان کرده شد، حاکم شرع

۵۴- بر وقایت این مواضع حکم فرمود و این وقف ثابت و
لازم گشت؛ حاکمی نافذ الحکم و القضا

۵۵- تا این وقف از محل نزاع بیرون آمد و در حیز اجتماع و
اتفاق قرار گرفت.

۵۶- و واقف مذکور—تقبل الله منه—سداد و قضات و
ارباب و اهالی را بر این موجب استشهاد فرمود و وصیت
نمود که

۵۷- هر ده سال قضات عصر، این وقایت را مجدد گرداند و
تغییر [و] تبدیل به قواعد آن راه ندهند.

۵۸- فمن بدلہ بعد ما سمعه فاتما إئمه علی الذین یُدَلَّونَه.

۵۹- و این وقایت در سه نسخه ثبت افتاد و به امناء سپارده
شد. توفيق رفیق همگنان باد. تحریراً في

۶۰- غرة محرم الحرام سنة خمس عشر و ثمانمائة المجرية النبوية
عليه افضل الصلوات

۶۱- الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على خير خلفة
محمد و اولاده اجمعين الطيبين الطاهرين.

۶۲- هجرية النبوية[؟]

شهادت و اقرار وقف به خط خودش
۶۴- رب احکم باخیر و السعادة والحسنى.

۶۵- املاک و طاحونه و غیره که در این وقفا نامه مسطور است
وقف کرده ام و از املاک خود

۶۶- جدا گردانیده ام و به تصرف متولی این وقف گذاشته ام.
وقف مؤید و صدقه مُحَلَّد

۶۷- الی ان یرث الله الارض. وبعد اليوم مرا و فرزندان مرا و
هیچ مُتنفس را در این

۶۸- موقفات مذکرات حقی به ملکیت نیست. کتبه العبد
۶۹- علی بن رستم بن ابراهیم حاجی غفر الله له و تقبل منه.

۷۰- حرر العبد الصعیف المحتاج الى رحمة الله الباری
هزاریگ بن عز الدین عوض شاه الخواری
اصلح الله شأنه.

تدریس مکانیک مهندسی اسلامی

三

لهم إني أنت عبدي فاجعلني عبادتك
أنت عبدي فاجعلني عبادتك

四

نیزه فضیل و نیزه اکرم غفاری خوار قدر شد که همچو

٤

فَلَا يَكُونُ
وَمِنْهُ مُنْتَهٍ

1

فَلَمَّا مُتَّهِمًا بِالْكُفْرِ وَلَمْ يَرْجِعْ إِلَيْهِ فَلَمْ يَرْجِعْ إِلَيْهِ

2

حشيشين

4

صهوة دارالعلوم ودارالعلوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

100

لشکر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ إِنِّي تُوَلْتُكَ وَغَنِيتُكَ

لهم إنا نسألك سلامك ونستغفرك

لهم إنا نسألك مغفرة ذنبنا

عمر بن عاصي
متقدّم خوارزمشاه

میراث خالد

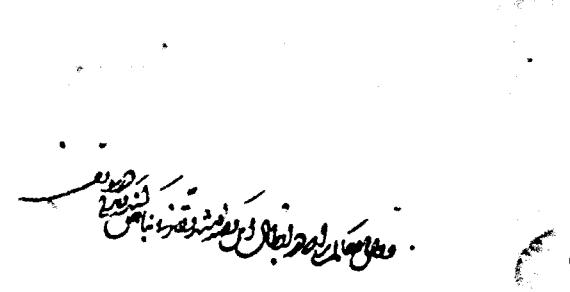
سال دوم - شماره اول



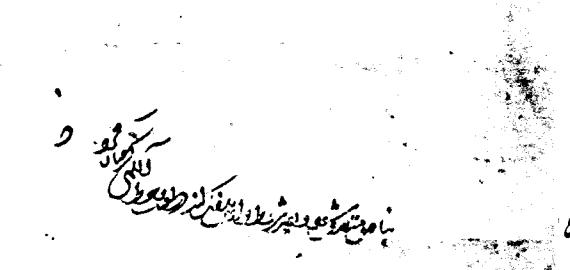
۴۵



۴۶



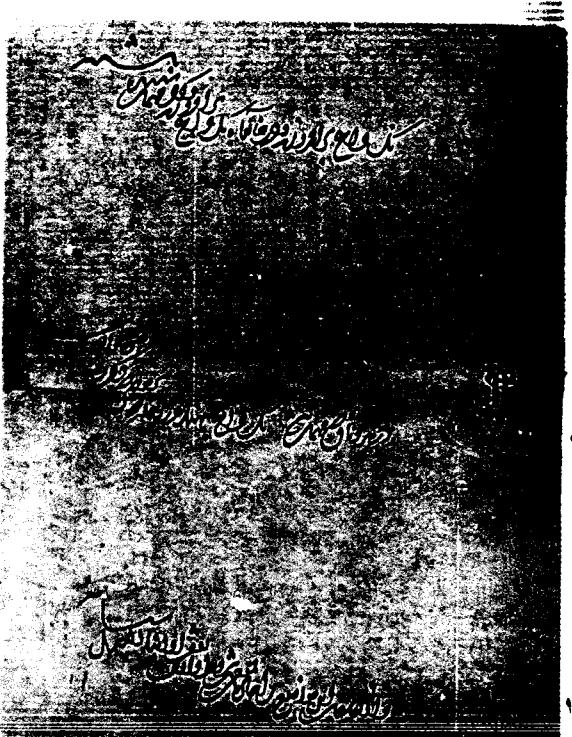
۴۷



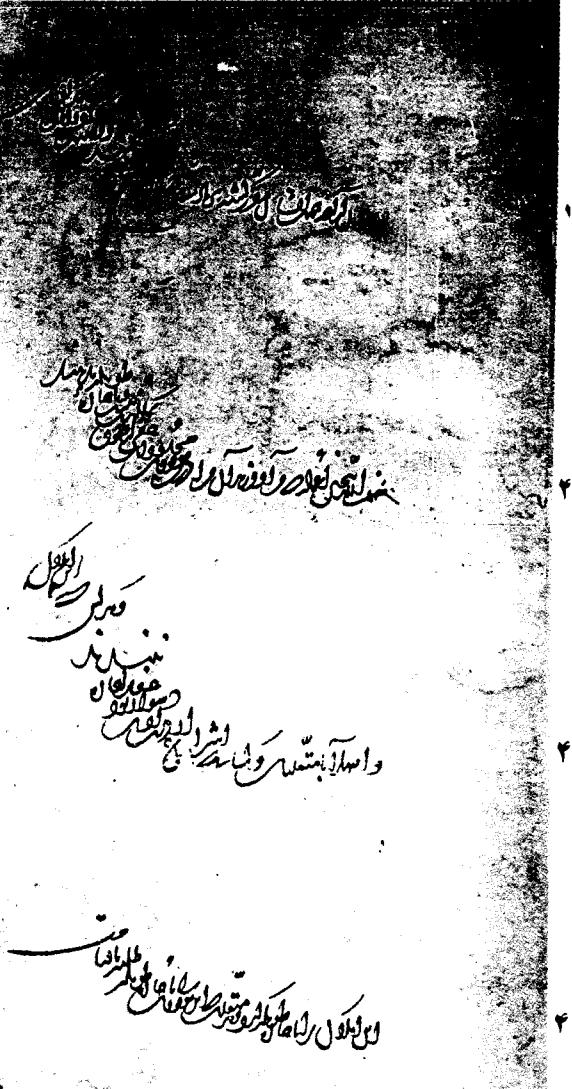
۴۸



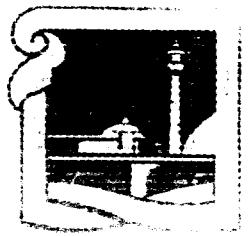
۴۹



۵۰



۵۱



٤٢

۸۳

۵۱

三

四

四

1

لهم اغفر لمن اذ عذر
لهم اغفر لمن اذ عذر



سجلات وقفارہ:

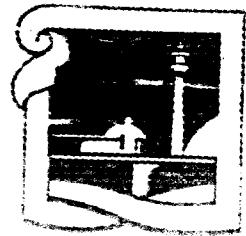
- ١- واحد من الشهود، العبد ... بن محمد ابن خيام الدامغاني
- ٢- تشهد على اقرار الواقع المذكور - جعل الله سعيه مشكوراً
- ٣- يجمع ما فيه حرّة العبد زين الدين [؟] بن محمد بن على بن كمال الدامغاني
- ٤- اشهد في الواقع المتصدق - تقبل الله منه / بجميع ما صدر في الصدر، حرّة العبد / طيب شاه بخطه.
- ٥- بنده ... على، حسين بن شيخ محمد.
- ٦- اشهد في الواقع المذكور على / النهج المسطور، حرّة العبد على بن محمود الخيام يعرف بشيخ.
- ٧- على ذلك من الشاهدين / محمد بن نظام كامگار الدامغاني.
- ٨- واحد من الشهود العبد / حرّة حیدر بن محمد مغاني.
- ٩- تشهد بضمونه العبد الضعيف / الحبيب [؟] بن محمد بن ابوالبدر بخطه في مورخه.
- ١٠- اشهد في الواقع المذكور على النهج المسطور - تقبل الله عنه - حرّة الفقير احمد بن / فتح الله احمد القریني
- ١١- شهد بها في علی شاه بن عماد قمی.
- ١٢- على ذلك من الشاهدين / حرّة ما حرّة العبد / الحسين بن محمد عفیف / في مورخه.
- ١٣- شهد في الواقع المتصدق - تقبل الله منه - / عوض بن محمود الدار الصامغاني.
- ١٤- المحتاج الى الله الغنی. تشهد العبد الضعيف، ناصر الدین محمود بن علی صفائی.
- ١٥- بر این موجب ذکر رفتہ بنده گواہ باشد. حرّة العبد، فتح الله بن احمد قوینی.
- ١٦- تشهد بضمونه کتاباً لعبد الضعیف الى الله الغنی محمد بن ناصر الدین الصفائی.
- ١٧- بشهادت العبد علی بن محمد ... بخطه.
- ١٨- تشهد بها في، جلال الدین بن تاج الدین محمد ... بخطه.
- ١٩- شهد بضمونه. حرّة محمود بن حسین الدارا.
- ٢٠- بشهادت العبد صدر الدین بن شمس الدین کمال.
- ٢١- تشهد بضمونه. حرّة العبد زین الدین محمد بن شیخ مغانی.
- ٢٢- على ذلك من الشاهدين. حسين بن علی شاه [؟] دامغانی.
- ٢٣- من الواقعین بضمونه. حرّة العبد محمد بن علی شاه الدارا
- ٢٤- بشهادت العبد. سعد بن یاس، سعد علی عز الدین مغافری بخطه.
- ٢٥- بشهادت العبد حسين بن ... الدین ابرضا. کتبه بامرہ.
- ٢٦- اشهدني الواقع المتصدق - تقبل الله منه - بجمع ماصدر في الصدر، حرّة العبد محمود بن علی الصراحت الدامغانی.
- ٢٧- بشهادت العبد ناصر بن عماد سفید چشم [؟]
- ٢٩- بشهادت العبد ... بن مطهر ...





- ٦٩- واحد من الشهود العبد كامگار الدامغاني بخطه
٧٠- تشهد بضمونه. حرزه العبد النحيف الى الله الغنى /
بن اسحاق بن على بندار الدامغاني.
- ٧١- واحد من الشهود. العبد لطف الله بن محمود نادر.
- ٧٢- تشهد بضمونه. حرزه العبد الضعيف المحتاج الى الله الغنى محمود بن على بن محمد حسيني [؟] الدامغاني
- ٧٣- شهد بضمونه. حرزه العبد الضعيف الى رحمة الله على بن محمد ابرالمهدى دامغاني.
- ٧٤- شهد بها فيه. العبد حسن بختيار.
- ٧٥- اشهدني الواقع المذكور على النهج المسطور عبدا بن داراني.
- ٧٦- واحد من الشهود. حرزه العبد محمود بن موسى محمود....
- ٧٧- واحد من الشهود. العبد. حرزه فخر الدين بن على ..
- ٧٨- تشهد بها فيه اسكندر سهراپ.
- ٧٩- على ذلك من الشاهدين. محمد بن احمد بن قويبي.

- ٣٠- بشهادة جلال بن حسين شيروانى
- ٣١- تشهد بضمونه اقل العباد ... احمد بن علي معانى [؟]
- ٣٢- اشهدني عن لفظ الواقع المذكور الى رحمة الله الرحيم على بن قوام الدين، مجد الدين التعيمى. احسن الله عواقبه.
- ٣٣- واحد من الشهود؛ العبد محمد بن مطهر...
- ٣٤- بشهادة العبد مجد الدين بن سعيد چشم بخطه
- ٣٥- اشهد الواقع المصدق - قبل الله منه ... حرزه حرزه الله المنان / محمود بن حسن سپاه مردان.
- ٣٦- شهد على ذلك. حرزه العبد، حسين بن على ... الدامغاني.
- ٣٧- على ذلك من الشاهدين. نعمة الله بن محمد بن يحيى
- ٣٨- بشهادة العبد محمد بن عطاء الله باباعلى.
- ٣٩- ٤٠- بشهادة العبد حسن جلال الدين ... [؟]
- ٤١- تشهد العبد على بن مبارك شاه نقبي [؟]
- ٤٢- تشهد بها فيه. حرزه العبد على بن لاغرى [؟]
- ٤٣- بشهادة العبد، على بن عطاء الله باباعلى.
- ٤٤- بشهادة العبد على بن محمد العاري [？]
- ٤٥- واحد من الشهود العبد ... بن حافظ ... احسن الله اجلاله.
- ٤٦- شهد بضمونه الواقع برحة الصمدانى، مجد الدين بن على المشهدى.
- ٤٧- بشهادة العبد عطاء الله بن محمد عطاء الله الدامغاني.
- ٤٨- شهد بضمونه العبد الراجى سلطان.
- ٤٩- شهد بها فيه على حسن.
- ٥٠- من تشهد بها فيه. حرزه العبد احمد بن حسن الدارا.
- ٥١- تشهد بها فيه محمود بن محمد ...
- ٥٢- بشهادة العبد حسن بن حسين شاه روبارى.
- ٥٣- بشهادة العبد محمد حاجى
- ٥٤- بشهادة العبد رستم سهراپ.
- ٥٥- تشهد بها فيه محمود بن على احمد غريبوى الدامغاني.
- ٥٦- بشهادة العبد حسن بن حسين.
- ٥٧- تشهد بضمونه. حرزه المح الحاج الى رحمة الله الغنى، احمد بن على بن محمد بن نصر الله الدامغاني.
- ٥٨- شهد بضمونه حرزه العبد. الخضر بن ...
- ٥٩- تشهد العبد محمد بن على ... حسن خراز.
- ٦٠- بشهادة العبد عزالدين بن محمد
- ٦١- بشهادة العبد ... فخرالدين بن نصر.
- ٦٢- واحد من الشهود العبد. حرزه محمد على ... بخطه
- ٦٣- بشهادة العبد عبدالحسين بن علاء الدين قل طبى [؟]
- ٦٤- بشهادة العبد على بن على بن على الدا ... بخطه
- ٦٥- تشهد بها فيه على بن حسن
- ٦٦- تشهد بضمونه نجيب بن محمد بن عزيز ...
- ٦٧- تشهد بضمونه. حرزه العبد الفقير درويش محمد بن حسن الدارا.
- ٦٨- واحد من الشهود العبد / حسن بن حاجى نادر مهانلدوستى.



میرا خاوند

سال دوم - شماره اول



سیاه ماردان

- ۸۰- واحد من الشهود. العبد. حررته حسين بن حسين
سپاه ماردان.
- ۸۱- بشهادة العبد محمد بن مجد الدين مبارك دامغانى
- ۸۲- بشهادة العبد محمود بن حاجي حسين صاحب.
- ۸۳- بشهادة العبد محمد بن عياد سفید چشم
- ۸۴- بشهادة العبد هام الدين بن فخر الدين ابوالبدر.
- ۸۵- واحد من الشهود. العبد جلال الدين بن يحيى بن جلال
الدين.
- ۸۶- شهد بها فيه غياث بن الياس بن ممحان [؟]
- ۸۷- تشهد بها فيه العبد حسن عبد الحق
- ۸۸- بشهادة العبد محمد بن اسحاق همانى.
- ۸۹- تشهد بها فيه شيخ داود بن نوروز [؟] خوارزمى.
- ۹۰- تشهد العبد شمس الدين سعد
- ۹۱- بشهادة العبد درويش على بن سعد الدين خيم.
- ۹۲- بشهادة العبد امين الدين بهاء الدين
- ۹۳- تشهد بها فيه حسن بن حسين عياد شاه.
- ۹۴- واحد من الشهود. العبد سيف الدين بن ... داورانى.
- ۹۵- بشهادة العبد جلال الدين على خاموش.
- ۹۶- بشهادة العبد ... کامگار.
- ۹۷- تشهد بها فيه ... معلم.
- ۹۸- بشهادة العبد الحسين بن محمد بن جامي معانى.
- ۹۹- تشهد بها فيه نظام بن کمال على.
- ۱۰۰- واحد من الشهود بايزيد بن طیفور.
- ۱۰۱- تشهد بها فيه ... علي سفید چشم
- ۱۰۲- بشهادة العبد محمد بن فخر الدين الخيم.
- ۱۰۳- بشهادة العبد على بن محمد بن
- ۱۰۴- تشهد بها فيه عزالدين شیخ.
- ۱۰۵- تشهد بها فيه حسين بن علی المقری [؟]
- ۱۰۶- به گواهی محمد بن دادار [؟] بن خُر الخیام.
- ۱۰۷- تشهد بها فيه شیخ محمود بن علی خیام.
- ۱۰۸- تشهد بها فيه حسام بن حسين شاه.
- ۱۰۹- شهد بها فيه علی شاه بن اسماعیل.

وقنامه دوم - پشت سند

- ۱- و ما ترفیقی الا بالله، عليه ترکلت والیه ائب.
- ۲- الحمد لله رب العالمين والغاية للمتقين والصلوة والسلام
على نبیه و ولیه، محمد عليهما و آلهما الطیین
- ۳- والطاهرين وسلم تسليماً كثيراً. اما بعد، باعث بر تحریر این
سطر، آنکه
- ۴- وقف گردانید از اطيب مال خود جناب دولت مأب
سعادت ایاب
- ۵- آیدین بیگ ابن المرحوم المغور البرور پیر محمد بیگ
پهلویانی از امای
- ۶- اکراد لورستان از آنچه نمود که ملک او بود و در تحت
تصوف مالکانه

سجلات وقفتاً مُهْبَطَةً بِشَتَّى سَنَدَاتِهِ:

الف: وقد اجريت صيغة الوقف، وكالة عن الواقف المؤمن اليه
– تقبل الله بجروده – كتبه العبد مهر (عبد المذنب محمد مهدى)
– لا إله إلا الله، محمداً رسول الله على ولی الله. افرض [امری الى
الله ... يا صاحب] [الزمان ادركني]
ب: الواقف الموقف حَضَرَ واعترف. مهر (عبد الايمون محمد
قاسم)
ج: ما سطر فيه وضع وصحت لدى. انا العبد الفقير حسين بن
عمر الحسين عفى عنهم بالطفه.
د: من الشاهدين على ذلك. مهر. (عبد المذنب مطهر)
ه: من الشاهدين. حرمه مرتضى الحسين.
و: شهد بها فيه. حرمه طاهر بن فضل الله الحسين.
ز: شهدت بها فيه. مهر. (العبد محمد حسين)
ح: من الشاهدين بها فيه. حرمه محمد باقر الحسيني.
ط: وافق عليه. زين العابدين الحسيني.
ی: من الشاهدين. حرمه علي بن احمد الدامغانی. عفى عنهم.
ک: شهد بها فيه ... بن علي. مهر. (کمنگ و ناقص است).
ل: من الشاهدين. حرمه علاء الدين ...
م: شهد بها فيه. حرمه نظام الدين بن ...

٧- خود داشت، جميع طاحونه و اراضی که تابع آن است که
یک ربع و نیم از يك ... [که واقع]

[در قریه «مفونه» من توابع بلده معموره الدامغان - هیبت

عن الحدثان - است،

٩- بر آستانه متبرکه حضرت امام زاده معموص، امام جعفر ابن

عمر بن حسن ابن علی ابن عمر بن علی ابن حسین ابن

١١- علی بن ابی طالب - علیه و علیهم الصلوة و السلام - که

مدفون

١٢- است در بلده دامغان در بیرون دروازه عراق، و واقف

١٣- مذکور، این موقوفه را به تصرف جناب سعادت ماءٍ

سعادت نصاب

١٤- امیر بدرالدین محمد الحسینی و اولاد او بازگذاشت که
منافع آن را

١٥- صرف این آستانه بزرگوار و فرش و روشنایی نمایند تا

١٦- اجر و ثواب آن به روزگار واقف مذکور بازگردد و ایضاً

١٧- شرط کرد واقف مذکور که مین بعد مرا و هیچ آفریده را از

١٨- فرزندان من دعوی ملکیت نباشد در این طاحونه
مذکوره.

١٩- هر که خلاف این عمل نماید در سخط و غضب و لعنت

حضرت

٢٠- حق سبحانه و تعالی باشد تا مدام قیام قیامت و ...

٢١- که مسطور شد، گواه گرفت جمعی که از واقف مذکور ...

٢٢- و اسامی خود در ذیل این صحیفه مسطور کردند. الآخر
من شهر الله

٢٣- شوال معظم سنه ثمان اربعين و تسعينه.

.. علی ذلك... حان ابن نعمت الله فیروزکوهی . عفى عنه.

امامزاده جعفر دامغان

